

**هدف کلی:** پذیرش این مهم که ابزار شناخت انسان منحصر در حس و تجربه نیست و ابزار دیگری هم هست

**اهداف آموزشی:**

بیان ابزارهای شناخت در وجود انسان  
توانایی ذکر تفاوت های ابزارها و محدوده آنها  
استفاده بجا و شایسته از همه ابزارها در جایگاه و موقعیت خود

طراح: مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزده  
سال تحصیلی: ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹



## ابزارهای شناخت

عبارت‌های زیر را با دقت بخوانید.

- ۱ سرنوشت هر کس در گرو عملی است که خود انجام داده است.  
گزاره اول، بیانگر قدرت اختیار در انسان است، یعنی یک گزاره انسان شناختی است.
- ۲ تاریخ بشر با حوادث تلخ و ناگوار فراوانی آمیخته است.  
گزاره دوم، یک گزاره در حوزه تاریخ بشر و حوادثی است که بر او گذشته است.
- ۳ یکی از فرشتگان الهی جبرئیل است که آوردن وحی بر پیامبران را برعهده دارد.  
گزاره سوم، یک گزاره درباره جهان غیب و ماوراءالطبیعه است.
- ۴ زمین علاوه بر حرکتی که به دور خود و به دور خورشید دارد، حرکتی هم همراه با منظومه شمسی در کهکشان دارد. گزاره چهارم، یک گزاره علمی در حوزه فیزیک و علوم طبیعی است.
- ۵ انسانی که واقعاً خدا را مقصود خود قرار بدهد، اعمالش در جهت رسیدن به او خواهد بود.  
گزاره پنجم، یک گزاره اعتقادی و تأثیر اعتقاد بر عمل است.
- ۶ جهان برای برخی انسان‌ها حکم قفس را دارد.  
گزاره ششم، یک گزاره عرفانی و اخلاقی شمرده می‌شود.



## بیشتر بدانیم

بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی و لامسه ما در محدوده خاصی عمل می‌کنند. چشم انسان نمی‌تواند رنگ‌هایی را که در دو طیف مادون قرمز و ماورای بنفش قرار دارند، ببیند. البته دانشمندان با دستگاه‌های بسیار دقیقی که ساخته‌اند، توانسته‌اند به این دو طیف رنگ نیز دسترسی پیدا کنند. گوش انسان نیز همه فرکانس‌ها را دریافت نمی‌کند، درحالی‌که گوش برخی حیوانات فرکانس‌های بسیار ریز و برخی دیگر فرکانس‌های بسیار بزرگ را نیز می‌فهمد و صدای آنها را درک می‌کند. بنابراین ما نمی‌توانیم بگوئیم رنگ‌ها و صداهای طبیعت محدود به رنگ‌ها و صداهایی است که ما آنها را می‌بینیم یا می‌شنویم.



گرمای کویر سبب می‌شود مسافران دچار توهم شوند و از فاصله دور آبدی‌هایی را ببینند که در واقع وجود ندارد.



در این عکس به نظر می‌رسد کسی برج میلاد را در دست گرفته است. ما می‌دانیم چنین کاری غیرممکن است و تنها نزدیکی دست به دوربین و دوری برج میلاد از آن، موجب چنین تصویری شده است.

آیا با جمله‌های صفحه قبل موافقت می‌کنید؟

صرف نظر از اینکه با این گزاره‌ها موافقت می‌کنید یا مخالف، فکر می‌کنید گویندگان این جمله‌ها با چه ابزاری به آنها پی برده و آنها را پذیرفته‌اند؟ هر یک از این گزاره‌ها مربوط به چه حوزه‌هایی از دانش بشر می‌شود؟

۱- یکی از تلاش‌های فیلسوفان در زمینه ابزار شناخت چیست؟

۱) در وجود انسان ابزارهایی برای شناخت وجود دارد. فیلسوفان تلاش می‌کنند این ابزارها را شناسایی کنند و قلمرو کاربرد آنها را معین نمایند. این ابزارها عبارت‌اند از:

۲- ما به کمک حواس پنج‌گانه با چه چیزهایی آشنا می‌شویم؟

۳- آیا شناخت حسی قابل اطمینان است؟ توضیح دهید

➤ ۱. حس

یکی از ابزارهای شناخت ما **حس** است (ما به کمک حواس پنج‌گانه با عالم

طبیعت آشنا می‌شویم و بسیاری از موجودات و ویژگی‌های آنها را می‌شناسیم.)

۳) (گرچه گاهی در شناخت حسی خطا رخ می‌دهد، اما این شناخت به قدری برای

ما معتبر است که بر پایه آن زندگی می‌کنیم و از اشیای طبیعی بهره می‌بریم و نیازهایمان را برطرف می‌سازیم.) یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت

حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهاست. ۴)

۵) (شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک

عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند؛ مثلاً اگر در مقابل ما یک

لیوان آب و یک ظرف غذا باشد، برای رفع تشنگی لیوان آب را برمی‌داریم و برای رفع گرسنگی به سراغ ظرف غذا می‌رویم. این عمل به ما می‌فهماند که ما در

تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده‌ایم.) ۵

۴- یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی چیست؟

۵- شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا چه امکانی را به انسان می‌دهد؟ مثال بزنید



۱- پاسخ سؤال اول، معمولاً منفی است، زیرا برای همه انسان ها خطای در حواس رخ داده، اما باز هم از حواس استفاده می کنند. کسی نیست که به علت چند بار اشتباه در دیدن، دیگر از چشم خود استفاده نکند. او حتی برای پی بردن به خطای خود باز هم از همین حواس استفاده می کند

## بررسی

گاهی ما در هنگام استفاده از حواس دچار خطا می شویم؛ مثلاً ممکن است چوب را داخل آب، شکسته ببینیم یا یک ساختمان بزرگ را، از فاصله دور، کوچک بینداریم.

۱ آیا چنین پیشامدهایی سبب سلب اعتماد ما از حواس می شود؟ چرا؟ **بالای صفحه**

۲ برای اینکه به خطای خود در این موارد پی ببریم، باید از چه ابزاری استفاده کنیم؟ آیا باز هم باید از حواس کمک بگیریم؟ **حواس - بله**

۳ آیا اینکه انسان می تواند متوجه خطای خود شود، می تواند دلیلی بر توانایی حواس برای شناخت اشیا باشد؟

**پاسخ سؤال سوم در ضمن پاسخ سؤال اول داده شد**

۱- انسان با قوه عقل چه حقایقی را می تواند درک کند؟ توضیح دهید؟

۲- شناخت تجربی را تعریف کنید؟

## ۲. عقل

۱ (انسان دارای قوه‌ای است که با آن تفکر و تعقل می کند. او با کمک این قوه می تواند حقایقی را درک کند که توانایی درک آن از راه احساس ممکن نیست. این حقایق، هم می تواند امور محسوس و طبیعی را شامل شود و هم امور غیر محسوس و غیر طبیعی را در بر می گیرد) ۱

۲ (عقل با کمک حواس و تحلیل عقلانی یافته‌های حسی می تواند به بسیاری از اسرار و رموز طبیعت پی ببرد و قوانین طبیعی را بشناسد. این نوع شناخت را که عقل با همکاری حس به دست می آورد، «شناخت تجربی» می گوئیم) ۲

شناخت تجربی بر چند قاعده عقلی مهم نیز استوار است و دانشمند در هنگام بررسی داده‌های حسی، آن قاعده‌ها را در نظر دارد و از آنها بهره می برد؛ برخی از این قواعد عبارت‌اند از: ۱- پدیده‌ها خود به خود پدید نمی آیند، بلکه هر پدیده‌ای نیازمند علت است ۲- هر پدیده علتی ویژه دارد، و از هر چیزی، هر چیزی پدید نمی آید. ۳- طبیعت، همواره یکسان عمل می کند. به طور مثال، آب، همواره خواص خود را دارد و این گونه نیست که یک روز فلان خاصیت را داشته باشد و روز دیگر نداشته باشد) ۴

از سطور اولین دانشمندانی است که مبانی علوم تجربی را پایه گذاری کرد. وی که شاگرد افلاطون بود، علاوه بر تبخیر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی

نیز شمرده می شد.

۳- چه زمانی دانشمند قاعده های عقلی شناخت تجربی را در نظر دارد؟ هنگام بررسی داده های حسی

۴- شناخت تجربی بر سه قاعده عقلی مهم استوار است، آنها را نام ببرید؟



یک دانشمند داروساز، با توجه به دانش و تجربه‌ای که در طول سالیان کسب کرده است، فکر می کند شربت تهیه شده از شویب می تواند چربی و قند خون را کاهش دهد. وی ابتدا شربتی از این گیاه تهیه می کند و براساس ضوابط علمی و قانونی، آن را بر روی یک مورد آزمایش می کند؛ اگر این آزمایش موفقیت آمیز بود او تعداد آزمایش را در شرایط گوناگون گسترش می دهد. یعنی دست به «استقراء» می زند تا عقلاً قانع شود که این شربت در کاهش قندخون مؤثر است. اگر این استقراء بر اساس شرایط و ضوابط ویژه‌ای انجام شود، آنگاه از این شربت برای کاهش چربی و قند خون استفاده خواهد شد.

۱- ابن سینا در گسترش کدام اندیشه های ارسطو تأملات عمیقی کرد؟

۲- نظر ابن سینا در رابطه با قانون علیت را بیان کنید؟

۳- نیروی عقل، توانایی شناسایی کدام حالات را دارد؟ مثال بزنید

دانشمند دیگری که در توضیح و تبیین قواعد عقلی علوم طبیعی نقش بسزایی

دارد، ابن سیناست. ابن سینا کتاب های متعددی هم در فلسفه و هم علوم طبیعی

نوشت که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است (وی

در گسترش اندیشه های ارسطو درباره قانون علیت و ابعاد مختلف آن تأملات

عمیقی کرد و توضیحاتی بیان نمود که همچنان قابل استفاده است) ابن سینا

توضیح داد که قانون علیت از تجربه و آزمایش به دست نمی آید، بلکه برعکس،

خودش پایه و اساس هر تجربه ای است. این قانون، یکی از قواعد اولیه تعقل

است که انسان در شناخت هر پدیده ای از آن استفاده می کند) ۲

۳) نیروی عقل، علاوه بر استفاده از حواس بیرونی، مانند چشم و گوش، می تواند

حالات درونی نفس مانند شادی، درد، محبت، دشمنی، عصبانیت و خوشحالی

را شناسایی کند و درباره آنها نظر دهد. مثلاً انسان می تواند به کمک عقل خود،

علل پیدایش شادی و افسردگی را کشف کند و درباره آنها توضیح دهد.) ۳

### بیان نمونه \*

آیا می توانید نمونه های دیگری از ویژگی ها و حالات نفس را مثال بزنید که

انسان ابتدا آن را در خود یافته و سپس در موجودات دیگر مشاهده کرده است؟

۱- محبت و دشمنی ۲- استدلال کردن ۳- شادی و غم

۴- اخلاق و ویژگی های اخلاقی مانند تریس و شجاعت

۵- احساس شک و تردید در برخی امور

۴- شناخت عقلی را با ذکر مثال تعریف کنید؟

علاوه بر موارد فوق (عقل قادر است بدون استفاده از یافته های تجربی و صرفاً

با تفکر و چپش استدلال، به حقایق برسد و دانش هایی را پایه گذاری کند. به

این قبیل دانش ها «شناخت عقلی» می گوئیم. بسیاری از دانستنی های ریاضی

از این قبیل هستند) ۴

فلسفه نیز همین گونه است (دانستنی های این دانش از طریق حواس و تجربه

به دست نمی آیند؛ بلکه فقط از طریق تعقل محض می توان به آنها رسید. مثلاً

۵- دانستنی های دانش فلسفه چگونه به دست می آیند؟ مثال بزنید؟



### بیشتر بدانیم

هر کسی می داند که اعداد از جمع واحدها ساخته می شوند؛ مثلاً عدد ۲، یعنی دو واحد، عدد ۳ یعنی سه واحد و عدد ۴، یعنی چهار واحد. هر کس معنای عدد ۲ و عدد ۴ را بداند، با اندکی تفکر درمی یابد که عدد ۴، برابر با ۲ به علاوه ۲ است که ما آن را به صورت  $2+2=4$  نشان می دهیم. به عبارت دیگر، محاسبات ریاضی از طریق تجربه و مشاهده اشیا انجام نمی گیرد بلکه به کمک یک محاسبه فکری و ذهنی صورت می پذیرد.

۱. الهیات شفاء، ابن سینا، مقاله اول، فصل اول، ص ۸

### بیشتر بدانیم

نمونه‌ای از استدلال عقلی محض: این جهان را آفریدگاری عالم، حکیم و توانا آفریده است. در علم و قدرت و حکمت الهی هیچ گونه کمی و کاستی راه ندارد. پس جهانی که با استفاده از این علم و حکمت و قدرت ساخته شده، نیکوترین و بهترین جهان ممکن است و هیچ گونه کاستی و عیب و نقضی ندارد.

ذات و صفات خداوند را نمی توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آنها

مستلزم بهره گیری از قواعد شناخت عقلی است) ۵

۱) (این قدرت و توانایی عقل، به انسان امکان می دهد تا یافته هایی سودمند درباره

کل هستی، که امکان درک تجربی آن هیچ گاه وجود ندارد، به دست بیاورد و این

یافته های عقلانی را اساس سایر دانش ها قرار دهد و پایه های زندگی خود را بر

آنها استوار سازد) این یافته های عقلانی، همان است که در درس اول درباره آنها

سخن گفتیم و تأکید کردیم که انسان برای فهم آنها به دانش فلسفه نیاز دارد.

### بررسی

آیا در علمومی که از راه استدلال عقلی محض به دست می آیند، امکان خطا و اشتباه وجود دارد؟ با توجه به آنچه در منطق، درباره استدلال آموخته اید،

در این باره توضیح دهید.

۱- اشتباه فقط در بدیهیات راه ندارد، مانند اجتماع نقیضین محال است

۲- در استدلال تجربی که از حس کمک می گیریم امکان خطا هست که با تلاش و کوشش علمی و دقت در آزمایش ها و تجربه ها آن را کم می کنیم

۳- در استدلال عقلی محض، چه در ریاضیات و چه در فلسفه امکان خطا وجود دارد. این خطا می تواند از ناحیه ماده باشد و می تواند از ناحیه صورت

بیشتر بدانیم یعنی شکل استدلال باشد. هر دو شکل خطا قابل تشخیص رفع شدن است

۱- معرفت شهودی را تعریف کنید؟

۳. قلب ۲- معرفت شهودی چگونه حاصل می شود؟

۱) «قلب» یا «دل» یکی دیگر از ابزارهای معرفت انسان است که می تواند

بی واسطه به حقایق برسد و معرفت کسب کند. معرفتی که از این طریق

به دست می آید، «معرفت شهودی» نامیده می شود. این معرفت از طریق تقویت

ایمان و تعالی بخشیدن به نفس و تهذیب آن و کمال طلبی همراه با عبادات

خالصانه، به تدریج و گام به گام حاصل می شود. معرفت شهودی یک معرفت

بی واسطه است؛ یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش و بدون استدلال عقلی

در قلب تجلی می کند. البته همان طور که گفتیم (برای دریافت چنین معرفتی

سیروسلوک و تهذیب نفس ضروری است) ۴

۵) (این گونه شناخت را بدان جهت شهودی می گویند که قلب انسان حقیقت را

چنان درمی یابد که گویا با چشم می بیند) عارف و سالک الی الله ممکن است

بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه بر عالم طبیعت، سایر عوالم

را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعاً بباید. این قبیل مشاهدات، از نوع

شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی آید) ۶

۳- اینکه می گوئیم، معرفت شهودی یک معرفت بی واسطه است، به چه معناست؟

۵۴ ۴- برای دریافت معرفت شهودی، چه اموری ضروری هستند؟

۵- چرا معرفت شهودی را به این نام نامیده اند؟ ۶- عارف و سالک الی الله ممکن است با معرفت شهودی، چه چیزهایی را مشاهده کند؟



شیخ شهاب الدین سهروردی از برجسته ترین چهره های حکمت اسلامی و فرهنگ ایران زمین است. وی فلسفه جدیدی را پایه گذاری نمود و میان حکمت و فلسفه و اشراق و شهود پیوند برقرار کرد. وی می کوشید از طرفی شهودهای عرفانی خود را با زبان فلسفی و استدلالی بیان کند و از طرف دیگر آنچه را که با استدلال و نیروی عقل به دست آورده با سیروسلوک قلبی و مشاهده همراه کند.

## حافظ از شهود قلبی خود چنین حکایت می کند:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند  
بیخود از شعضه پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند  
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه براتم دادند  
بعد از این روی من و آینه وصف جمال که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند  
من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب مستحق بودم و اینها به زکاتم دادند  
هاتف آن روز به من مؤده این دولت داد که بدان جور و جفا صبر و ثباتم دادند  
این همه شاهد و شکر کز سخنم می ریزد اجر صبریست کزان شاخ نباتم دادند  
همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود که ز بند غم ایام نجاتم دادند

۱- منظور از معارف و حیانی چیست؟ توضیح دهید؟

## ❖❖❖ وحی الهی، برترین شهود



۱) یکی از شهودهای قلبی وحی الهی است.<sup>۱</sup> این شهود ویژه پیامبران است و خداوند از طریق وحی و به واسطه پیامبران، معارفی را در اختیار بشر قرار می دهد که به آن «معارف و حیانی» می گویند. دریافت کننده وحی، پیامبران الهی هستند. آنان آنچه را که از راه وحی دریافت کرده اند، به انسان های دیگر می رسانند. در شهود و حیانی، خداوند حقایق و معانی و حتی گاهی کلمات و عبارات خود را بر قلب پیامبر نازل می کند و پیامبر آن معانی و کلمات و عبارات را دریافت می کند و هیچ گونه دخل و تصرفی از طرف پیامبر در آن صورت نمی گیرد.<sup>۲</sup>

۳) قرآن کریم نمونه ای از کلام الهی است که خداوند از طریق وحی بر قلب آخرین پیامبر خود نازل کرده است. ما با تأمل و تدبر در قرآن و به میزان توانایی و همت خود می توانیم از بسیاری حقایق آگاه شویم.<sup>۳</sup>

۲- شهود و حیانی چگونه صورت می گیرد؟  
۳- ما چگونه می توانیم به بسیاری از حقایق آگاه شویم؟

۱. برای شناخت بیشتر این شهود قلبی به کتاب وحی یا شعور مرموز از علامه طباطبایی مراجعه کنید.

با اینکه «معرفت وحیانی» و «شهود و اشراق عارفانه» قرابت و نزدیکی‌هایی با هم دارند، اما تفاوت‌هایی اساسی نیز میان آنها وجود دارد. یکی از تفاوت‌های این دو شیوه شناخت را در جدول زیر می‌بینید. آیا می‌توانید موارد دیگری نیز به این فهرست اضافه کنید؟

شهود عارفانه	معرفت وحیانی
۱. شهود عارفانه مشاهده قلبی خود عارف است.	۱. معرفت وحیانی از جانب خدا نازل شده است.
۲. <b>اما ممکن است که یک عارف در بیان شهود خود دچار اشتباه شود</b>	۲. <b>در انتقال وحی به مردم اشتباهی رخ نمی‌دهد</b>
۳. <b>اما در شهود عارفانه لزوماً هدایت مردم وجود ندارد</b>	۳. <b>هدف وحی هدایت مردم است</b>
شهود، برای هر کسی که خالصانه به تزکیه نفس بپردازد رخ میدهد	وحی فقط به کسی می‌شود که ویژگی‌های لازم نبوت را دارد

۱ وقتی ماه را در آسمان مشاهده می‌کنیم، آن را به اندازه یک توپ فوتبال می‌بینیم، در حالی که می‌دانیم قطر ماه حدود ۳۵۰۰ کیلومتر است. آیا به نظر شما، این اتفاق می‌تواند نمونه‌ای از خطای حواس به شمار بیاید؟

اصولاً فاصله چه تأثیری در کوچکی و بزرگی اشیا دارد؟

۲ حیوانات نیز مانند انسان ادراک حسی دارند حتی در برخی از حواس از انسان‌ها نیز قوی‌تر هستند، اما شناخت حسی و تجربی آنها از جهان پیرامونی با شناخت انسان قابل مقایسه نیست.

به نظر شما دلیل این میزان تفاوت میان شناخت حسی انسان و حیوان چیست؟

۳ برخی از فیلسوفان اعتقاد دارند شناخت و معرفت فقط در حوزه تجربه امکان‌پذیر است. به نظر شما آیا می‌توان نظر این فیلسوفان را از طریق تجربه اثبات کرد؟ نظر خود را با دلیل بیان کنید.

۴ آیا می‌توان با تجربه، آنچه را که در عالم وجود دارد، شناخت؟ با هم کلاسی‌های خود مباحثه کنید.

۵ با توجه به تنوع ابزارهای شناخت، دربارهٔ افراد زیر نظر دهید و بگویید که با چه اشکالاتی روبه‌رو می‌شوند؟

۱ کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت حس است و فقط معرفت تجربی اعتبار دارد.

۲ کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت عقل است و فقط معرفت عقلی محض اعتبار دارد.

۳ کسی که معتقد است تنها ابزار شناخت قلب است و فقط شهود قلبی اعتبار دارد.

۴ کسی که معتقد است تنها شهود و حیانی قابل اعتبار است.



اصفهان، میدان امام